

# دیکتاتوری سیاه با کودتا در میانمار

مرز نهایی آسیا



خلاصه مدیریتی:

با وجود حاکمیت بیش از ۵۰ ساله نظامیان بر میانمار، درک این موضوع که اوضاع چگونه پیش خواهد رفت را نه تنها دشوارتر کرده بلکه شرایط نیز سخت و پیچیده تر کرده است. با افزایش سرکوب معترضان در میانمار این بیم و نگرانی به وجود آمده که «بهار میانمار» سرانجامی همچون «بهار عربی» گردد و شرایط را به سمت جنگ های داخلی پیش ببرد. لذا، می توان گفت که شعار «بهار میانمار» فریبی بیش برای دموکراسی خواهی مردم این کشور نیست.

«آنگ سان سوچی»، مهره جذاب نظامیان و ملکه نوبلی و چهره دموکراسی خواه مردمی دیگر برای ژنرال های نظامی میانمار، جذابیتی ندارد. لذا، در کشمکش های ژئوپلیتیک در این کشور، از یک سو، غربی ها به دنبال پیاده سازی «حاکمیت دموکراتیک» و از سوی دیگر، چین کمونیست به دنبال تبدیل میانمار به کشوری «انعطاف پذیرتر» است. بنابراین، هر یک به دنبال افزایش اهرم های فشار و نفوذ همه جانبه خود در این کشور هستند. در صورتی که تاوان و هزینه آن را مردم میانمار می دهند. آنها به دور از فهم این واقعیت هستند که: قرن ۲۱، دیگر قرن، کودتا نیست؛ بلکه قرن گفتگو است.

حسنعلی ذکریایی

کارشناس فرهنگی پاکستان

## بسمه تعالی

### اشاره

میانمار که به آن برمه نیز گفته می‌شود در جنوب شرقی آسیا و در همسایگی کشورهای تایلند، لائوس، بنگلادش، چین و هند واقع شده است. این کشور از جمله کشورهای کمتر توسعه یافته است. براساس آمار منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ در رتبه ۱۴۵ از میان ۱۸۸ کشوری که آمار توسعه‌یافتگی آنان اندازه گرفته شده است، قرار دارد.

در سال ۱۸۲۴، برمه توسط بریتانیا اشغال و ضمیمه حکومت هند، مستعمره بریتانیا شد. اما، در سال ۱۹۳۷، بریتانیا، برمه را به همراه منطقه «آراکان» که اکنون به آن «راخین» نیز می‌گویند، مستعمره‌ای جدا از حکومت هند خواند و آن را «برمه بریتانیا» نام نهاد. در سال ۱۹۴۸ بریتانیا اجازه داد تا برمه استقلال یابد و از آن زمان به «میانمار»<sup>۱</sup> تغییر نام یافت. معنای هر دو کلمه برمه<sup>۲</sup> و میانمار یکی است. اما میانمار رسمیت بیشتری دارد.<sup>۳</sup> در حال حاضر این کشور، دومین کشور بزرگ آسیای جنوب شرقی است. زبان برمه‌ای، زبان رسمی میانمار و جمعیت آن بالغ بر ۵۵ میلیون نفر است. از نظر مساحت، ۳۹ مین کشور و از نظر جمعیت، ۲۶ مین کشور است که ۷۰ درصد آنان بودایی هستند. میانمار که در سال ۱۹۴۸ به استقلال رسید، طی سال های ۱۹۶۲ تا ۲۰۱۱ میلادی تحت کنترل ارتش و نیروهای مسلح، اداره می‌شده است. این کشور، از سال ۲۰۱۱ به بعد، روند بازگشت به حکومت غیرنظامی را آغاز کرد.

این کشور دارای ۱۴۴ اقلیت است. در سال ۱۹۸۲ قانون «حقوق شهروندی» به تصویب رسید که به واسطه این قانون، از میان ۱۴۴ اقلیت موجود در میانمار ۱۳۵ اقلیت حق شهروندی دریافت کردند. ۹ دسته از اقوام اقلیت از حق شهروندی محروم شدند که بزرگ‌ترین این اقلیت‌ها، قوم «روهینگیا» است. روهینگیا ۴٪ جمعیت میانمار را تشکیل می‌دهند و بیشتر در ایالت راخین، در سواحل غربی میانمار ساکن هستند. آمار رسمی جمعیت روهینگیا، ۶ میلیون نفر اما طبق آمار غیر رسمی، جمعیت آنان به ۸ میلیون نفر می‌رسد. براساس گزارش یونیسف، حدود ۶۰ درصد از جمعیت روهینگیا به علت فقر اقتصادی هرگز به مدرسه نرفته‌اند و ۸۰ درصد آنان بی‌سواد هستند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دولت نظامی حاکم در سال ۱۹۸۹، یکسال پس از وقایع مرتبط با شورش و خیزش مردمی، نام این کشور را به انگلیسی به میانمار تغییر داد. بریتانیا در ابتدا با خودداری از به کار بردن نام جدید این کشور، از این شیوه به عنوان راهی برای انکار مشروعیت رژیم نظامی استفاده می‌کرد.

<sup>۲</sup> ایالات متحده آمریکا هنوز هم به طور رسمی از این کشور به عنوان «برمه» نام می‌برد.

<sup>۳</sup> آنگ سان سوچی سال ۲۰۱۶ گفته بود که مهم نیست کشورش با کدام نام خوانده می‌شود.

<sup>۴</sup> <https://per.euronews.com/2017/09/12/ethniq-crisis-of-myanmar>

با تصویب قانون تابعیت در سال ۱۹۸۲، مسلمانان روهینگیا بدون تابعیت شدند. در سال ۲۰۱۲، بوداییان تندرو، کشتار روهینگیا را آغاز کردند. مسلمانان روهینگیا از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و شهروندی خود محروم هستند. از جمله:

- عدم اجازه سفر به شهرها و استان‌های دیگر کشور میانمار
  - عدم حق تحصیل (نزدیک به ۸۰ درصد مسلمانان روهینگیا سواد خواندن و نوشتن ندارند)
  - عدم اجازه ساخت و یا بازسازی مدارس و مساجد
  - عدم اجازه داشتن بیش از ۲ فرزند
  - عدم اجازه ازدواج؛ مگر با پرداخت هزینه هنگفت به دولت میانمار
  - عدم اجازه استخدام در ارگان‌ها و ادارات دولتی
- البته، ریشه «نسل‌کشی» و «پاکسازی قومی» اقلیت نژادی روهینگیاها را می‌توان در لایه‌های سیاسی میانمار جستجو کرد.



## ارتش مدعی تقلب

ارتش میانمار که به نام «تاتامادا» شناخته می‌شود، از روز ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۹ با ادعای تقلب در انتخابات پارلمانی آبان ماه ۱۳۹۹ (نوامبر ۲۰۲۰) اقدام به تصاحب قدرت کرد. این کودتا، یک دهه پس از پایان حکومت نظامی ۴۹ ساله روی داد و منجر به یک کارزار «نافرمانی مدنی» شامل اعتصابات و تظاهرات در سرتاسر این کشور شد. مردم میانمار در تظاهرات سراسری علیه کودتای نظامی با روش‌های خلاقانه از جمله با «سلام سه انگشتی»، «شعرخوانی دسته جمعی»، «تاباندن نور چراغ تلفن‌های همراه»، «تخم مرغ‌های رنگ شده»، «قرار دادن گل در خیابان»، «پاشیدن رنگ قرمز در وسط خیابان» و «روشن کردن شمع» اعتراضات خود را به جهانیان نشان می‌دهند.

در انتخابات پارلمانی میانمار، حزب اتحادیه ملی برای دموکراسی به رهبری خانم «آنگ سان سوچی» که ریاست دولت را هم در دست داشت، با کسب بیش از ۸۳٪ آرا، به پیروزی رسید. این پیروزی، به مذاق نظامیان خوش نیامد.

ارتش که همواره برای خود سهمی از کرسی پارلمان و سکان هدایت چند وزارتخانه را قائل است، ادعای «تقلب گسترده» را مطرح کرد و به حمایت از اپوزیسیون پرداخت که آنان نیز خواهان برگزاری مجدد انتخابات شده بودند. این در حالی است که کمیسیون انتخاباتی در پاسخ به ادعای تقلب آن را رد کرد و گفت که هیچ مدرکی برای اثبات این ادعا وجود ندارد.



صبر کودتاچیان با تشکیل نخستین جلسه پارلمان میانمار که در آن نمایندگان جدیدی شرکت داشتند، به سر آمد. لذا، به طور رسمی ارتش به صحنه آمد و با دستگیری و بازداشت «آنگ سان سوچی» ۷۵ ساله و شمار دیگری از رهبران حزب حاکم، قدرت را در دست گرفتند و برای یک سال «وضعیت اضطراری» اعلام کردند. در پی این اقدام، «مین آنگ هلینگ»<sup>۱</sup>، فرمانده کل ارتش میانمار مسئولیت اداره کشور را بر عهده گرفت. ارتش جایگزین سمت‌های کلیدی وزرا و نمایندگان پارلمان این کشور شد و لذا هدایت وزارتخانه‌ها و نهادهای فعال در امور مالی، بهداشتی را برعهده گرفت. ارتش می‌گوید با پایان یافتن وضعیت اضطراری، زمینه برپایی یک انتخابات «آزاد و منصفانه» را در میانمار فراهم خواهد کرد.

<sup>۱</sup> مین آنگ هلینگ، فرمانده کل ارتش میانمار از نفوذ سیاسی بالایی برخوردار است؛ به نحوی که زمان به اجرا گذاشته شدن فرایند انتقال قدرت به سمت دموکراسی، اقتدار ارتش در این کشور همچنان حفظ شود. او به دلیل ایفای نقش کلیدی در حمله نیروهای مسلح میانمار به اقلیت‌های قومی این کشور، تحت محکومیت و تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

در کشور میانمار، ارتش مالک اصلی قدرت است. بنابراین، در انتخابات ۸ نوامبر، پیروزی قاطع حزب آنگ سان سوچی آن هم با کسب ۳۹۶ کرسی از ۴۷۶ کرسی پارلمان و در پی آن، تقریباً احاطه یافتن بر قانون اساسی؛ به هیچ وجه مورد قبول و تایید ارتش نبود. لذا، ارتش نتایج انتخابات را **نقض قانون اساسی**<sup>۱</sup> سال ۲۰۰۸ عنوان کرد و اعتراض خود را به صورت قانونی به کمیسیون انتخابات ارائه داد. اما کمیسیون انتخابات، این ادعا را رد کرد و به نوعی ارتش را مجاب نمود که دست به اقدام علیه دولت بزند.

### تحلیل کارشناسی

با وجود حاکمیت بیش از ۵۰ ساله نظامیان بر میانمار، درک این موضوع که اوضاع چگونه پیش خواهد رفت را نه تنها دشوارتر کرده بلکه شرایط نیز سخت و پیچیده کرده است. با افزایش سرکوب معترضان در میانمار این بیم و نگرانی به وجود آمده که «بهار میانمار» سرانجامی همچون «بهار عربی» گردد و شرایط را به سمت جنگ های داخلی پیش ببرد. لذا، می توان گفت که شعار «بهار میانمار» فریبی بیش برای دموکراسی خواهی مردم این کشور نیست.

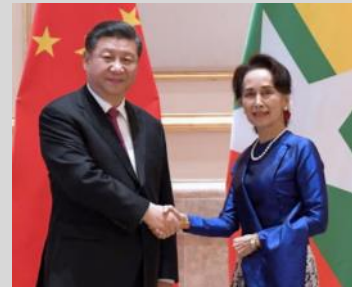
«آنگ سان سوچی<sup>۲</sup>»، مهره جذاب نظامیان و غربی ها با عنوان برنده صلح نوبل و چهره دموکراسی خواه مردمی و فعال حقوق بشری و با شعار «ناجی میانمار» در انتخابات ۲۰۱۵ پیروز شد. در حقیقت، بستر این پیروزی را ژنرال های نظامی برای سوچی فراهم کردند تا بتوانند نفوذ حداکثری خود را بر بیشتر نهادهای این کشور، افزایش دهند. اما، این **ملکه نوبلی**، دیگر برای ژنرال های نظامی میانمار، جذابیتی ندارد. اگر به بعد از قدرت رسیدن آنگ سان سوچی، نگاهی بی اندازیم، خواهیم دید که او نه تنها دموکراسی خواه نبوده بلکه لیاقت دریافت جایزه صلح نوبل را هم نداشته است. چرا که پس از ورود به عرصه سیاست، از شعارهای خود فاصله گرفت و طی چهار سال گذشته جزء اقدام به بازداشت، تعقیب و زندانی کردن منتقدان خود و همچنین عدم واکنش به جنایات و آوره شدن و نسل کشی علیه مسلمانان میانماری که نقطه سیاه و تاریکی در پرونده عملکردش بجا گذاشته است، چیز زیاد و خاصی نه شنیده ایم و نه دیده ایم. او با حضور در دادگاه لاهه (دسامبر

<sup>۱</sup> **قانون اساسی سال ۲۰۰۸**: نظامیان با ایجاد یک قانون اساسی، ارتش را مالک اصلی قدرت معرفی کردند و طبق آن، کنترل بخش های حساسی مانند امنیت، وزارت کشور، امور خارجه و وزارت دفاع در اختیار ارتش قرار گرفت.

<sup>۲</sup> **آنگ سان سوچی** در دهه ۹۰ میلادی به دلیل فعالیت و مبارزات سیاسی جهت بازگرداندن کشورش به روند دموکراسی به شهرت جهانی رسید. او به دلیل سازماندهی تجمعات و رهبری کارزار دموکراتیکی که با هدف اصلاحات سیاسی و برگزاری انتخابات آزاد به راه افتاده بود حدود پانزده سال از عمر خود را در بازداشت سپری کرد. سوچی سال ۱۹۹۱ در حالی که در کشورش در حصر خانگی قرار داشت به دلیل مبارزات دموکراسی خواهانه جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. او سال ۲۰۱۵ حزب تحت رهبری خود موسوم به «اتحادیه ملی برای دموکراسی» را در نخستین انتخابات پرسر و صدای میانمار پس از ۲۵ سال به پیروزی رساند. شهرت بین المللی آنگ سان سوچی پس از انتشار اخباری ناگوار از نحوه رفتار مقامات میانمار با اقلیت مسلمان روهینگیا به شدت تخریب شد. خانم سوچی سال ۲۰۱۹ برای دفاع از خود و دولت تحت هدایت وی در برابر اتهام نسل کشی مسلمانان روهینگیا در دادگاه بین المللی دادگستری در لاهه هلند حضور یافت اما هرگز حاضر نشد اتهام نسل کشی را که ارتش میانمار مسئول آن شناخته شده بپذیرد.

۲۰۱۹) به دفاع از عملکردش پرداخت و با وقاحت تمام، اتهام نسل‌کشی علیه مسلمانان و «پاکسازی قومی»<sup>۱</sup> را رد کرد و مدعی شد که کشورش در برابر حملات شورشیان از خود دفاع کرده است.

در کشمکش‌های ژئوپلیتیک، در کشور میانمار، از یک سو غربی‌ها به خصوص ایالات متحده و رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر، کشور کمونیستی خلق چین به دنبال افزایش اهرم‌های فشار و نفوذ همه‌جانبه خود در این کشور برآمدند. چین کمونیست که بزرگ‌ترین شریک تجاری میانمار است، به دنبال آن است که این کشور را تبدیل به کشوری «انعطاف‌پذیرتر» کند و



غربی‌ها هم به بهانه جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر چین کمونیست در کشورهایی از جمله میانمار، هنگ‌کنگ و تایوان به دنبال پیاده‌سازی «حاکمیت دموکراتیک»<sup>۲</sup> هستند. تلاش پکن به منظور سیطره بر این کشورها به خصوص با حربه «دیپلماسی وام» و یا «دیپلماسی تله» هم قابل اغماض نیست. چرا که این کشور کمونیستی مجموعه‌ای گسترده از دستگاه‌های امنیت سایبری و همچنین نرم‌افزارهای جاسوسی را که منجر به افزایش توانایی در «جنگ الکترونیکی» می‌شود را در اختیار نظامیان میانمار قرار می‌دهد و تلاش‌های شورای امنیت در مورد «انجام اقدامی قابل‌توجه در میانمار» و یا فشار یا درخواست تحریم بیشتر بر میانمار مخالفت و آن را وتو می‌کند و کودتای میانمار را فقط یک «تغییر و تحول ساده در کابینه» یا «لحظه فرصت» می‌نامند. در پی وتو چین، سرریا، شورای امنیت سازمان ملل «نگرانی عمیق خود از وضعیت اضطراری» را طی بیانیه‌ای اعلام می‌کند. در واقع، چینی‌ها «لحظه فرصت» یا کودتا را به «فال نیک» گرفته‌اند. لذا، اینگونه به نظر می‌رسد که، این کودتا به حمایت و پشتیبانی چینی‌ها صورت گرفته تا بتوانند؛ نخست، اقتدار خود را در منطقه «تحکیم و تثبیت» کنند؛ دوم، نه تنها نفوذ آمریکا را کاهش دهند، بلکه مانع گسترش نفوذ آمریکایی‌ها در منطقه شوند، سوم این که با حمایت از قدرت‌گیری ژنرال‌های میانمار و در پی آن کودتای نظامیان؛ شکل‌گیری دموکراسی در این کشور را فدای منافع اقتصادی خود می‌کنند. چرا که میانمار به عنوان «حیات خلوت» چین در جنوب آسیای شرقی به حساب می‌آید.

اما تحولات اخیر در میانمار نشان می‌دهد که پکن، نخست باید موج احساسات ضدچینی را در این کشور کنترل و مهار کند. معترضان به کودتا از مواضع چین در مخالفت با تحریم‌های گسترده جهانی علیه میانمار خشمگین هستند. چین در جلسه شورای امنیت سازمان ملل با فشار یا درخواست تحریم بیشتر بر میانمار مخالفت کرده بود. لذا، معترضان به سیاست‌ها و حمایت پکن از کودتاچیان نظامی، کارخانه‌های چینی در این

<sup>۱</sup> اصطلاح پاکسازی قومی، بعد از جنگ جهانی دوم توسط لهستانی‌ها و اهالی چک که قصد اخراج آلمانی‌ها و اکراینی‌ها از کشورشان را داشتند، مورد استفاده قرار گرفت و این اصطلاح در سال ۱۹۹۲ وارد دایره لغات حقوق بین‌الملل شد.

<sup>۲</sup> جو بایدن رییس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا: ما با شرکایمان همکاری خواهیم کرد به منظور پشتیبانی از احیای دموکراسی و حاکمیت قانون و اعمال پیامدهایی علیه کسانی که مسئول (این اوضاع) بوده‌اند. <https://www.iribnews.ir/00Ccsr>

کشور و همچنین پرچم چین را به آتش کشیدند. ۳۲ کارخانه نساجی و پوشاک تحت مالکیت چین را به آتش کشیدند. به گزارش رسانه‌های چینی، این اقدام معترضان حدود ۳۷ میلیون دلار خسارت وارد کرده است. «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور چین کمونیست در جریان سفر ژانویه ۲۰۲۰ به میانمار، این کشور را «کشوری با سرنوشت مشترک» خطاب می‌کند و در ملاقاتی با سوچی؛ مجموعه‌ای از توافقات از جمله پروژه «یک کمربند و یک جاده» را امضا می‌کند. بنابراین، با خطاب قرار دادن میانمار با عنوان «کشوری با سرنوشت مشترک» به دنبال دور نگاه داشتن این کشور از آمریکا است. چرا که چین میانمار را قطعه‌ای از «پازل ژئواستراتژیک» خود می‌داند. لذا، چین در این وضعیت بحرانی نه می‌تواند یک میانجی و نه یک داور منصف برای «دیکتاتوری سیاه» در همسایگی خود باشد.

ایالات متحده هم به بهانه پیاده‌سازی «حاکمیت دموکراتیک» در تایوان، میانمار، هنگ کنگ و همچنین کشتار و عقیم کردن مسلمانان در سین کیانگ، تبت و غیره به تقابل راهبردی با چین پرداخته است. اما منافع راهبردی چین ایجاب می‌کند که بدون آنکه هزینه سیاسی بالایی بپردازد، به دنبال آن است که نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در آسیای



شرقی عمیق‌تر و وسیع‌تر کند.

### سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

از آنجائیکه در کشور میانمار با داشتن حدود هشت میلیون نفر جمعیت مسلمان، سفارتخانه نداریم، جایی که برای آزادی یک ایرانی گرفتار در آشوب‌های خیابانی این کشور از او خواسته می‌شود که خود را به سفارت جمهوری اسلامی ایران در تایلند برساند. اما، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با توجه به درگیری‌های قومی سال‌های اخیر در میانمار و کشتار بی‌رحمانه مسلمانان بی‌گناه به دست گروهی از افراطیون بودائی، تلاش می‌کند تا بتواند حضور فرهنگی و دینی خود را در این کشور افزایش دهد. این سازمان به عنوان تنها نهاد رسمی جمهوری اسلامی ایران در عرصه گفتگوی دینی، همواره تقویت وجوه مشترک ادیان از جمله ارزش‌های الهی-انسانی، دوستی و مودت و پرهیز از خشونت و افراطی‌گری را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادیان در مسیر ترویج فرهنگ دینی و اشاعه ارزش‌هایی که به ارتقای معنوی انسان می‌انجامد، دنبال می‌کند. تلاش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بر آن است که در سایه اتحاد رهبران و متفکران ادیان و مکاتب؛ مسیر تحقق «صلح، امنیت و آرامش» را در جامعه جهانی هموار کند. لذا، طرح برگزاری «گفتگوی دینی با رهبران بودائی» را در دستور کار خود می‌دهد.

در این راستا، «اولین گفتگوی چندجانبه اسلام و بودیسم» با حضور رهبران و اندیشمندان عالی‌رتبه بودایی از کشورهای سریلانکا، میانمار، تایلند و اندیشمندان مسلمان ایرانی، با عنوان «همکاری مسلمانان و بوداییان برای مقابله با خشونت و افراط‌گرایی» با حضور میهمانان بودایی از جمله «گالاگاما داماراسی ترو»، مشاور رئیس‌جمهور



سریلانکا، «آشین نیان سارای»، رئیس آکادمی مطالعات بین‌المللی بودیسم از میانمار و «پرا کرو ویبول پاتاناکیت» رهبر بودایی از تایلند در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دیماه سال ۱۳۹۳ برگزار شد.

دکتر ابراهیمی ترکمان رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مراسم افتتاحیه نخستین دوره «گفتگوی چندجانبه اسلام و بودیسم» با تاکید بر «توسعه صلح» نیاز انسان در تمامی دوران، اظهار کرد که امروزه در تمام خشونت‌هایی که علیه بشریت انجام می‌شود، رد پای «نابخردی در درک مفاهیم و ارزشهای والای بشری» و «اسارت در بند هوا و هوس» نیز دیده می‌شود. تا جایی که انسان به دلیل نابخردی، حق سلب جان دیگری را برای خود قائل می‌شود. ابراهیمی ترکمان تاکید می‌کند که خشونت‌هایی که در منطقه زیست مسلمانان و بودایی‌ها به‌ویژه در میانمار رخ می‌دهد، مایه نگرانی همه کسانی است که به رستگاری و سعادت انسان در مفهوم وسیع آن می‌اندیشند.

«آشین نیان سارای»، رهبر بودائی و رئیس آکادمی مطالعات بین‌المللی بودیسم در میانمار می‌گوید که وضعیت جاری جهان یک چالش برای رهبران سیاسی، معنوی و مذهبی است و ما رهبران مذهبی به سهم خود، مسئول «کاهش تنش و درگیری» هستیم.

حتی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۹۵، برای نخستین بار در تاریخ روابط دو کشور ایران و میانمار، همایش و نمایشگاهی با عنوان «ایران امروز و فرهنگ و تمدن ایران اسلامی» در شهر ماندلای<sup>۱</sup> میانمار برگزار می‌کند که اتفاقاً افتتاح‌کننده آن «آشین نیان سارای» بود. او در مراسم افتتاحیه، از برگزاری این همایش و رخداد مهم و ارزشمند فرهنگی از سوی ایران، ابراز خشنودی و سپس به سفر خاطره‌انگیز خود به ایران



اسلامی در قالب نشست «گفت‌وگوی اسلام و بودیسم» اشاره و از احساس متبوع خود در ملاقات با علما و اندیشمندان مسلمان ایرانی یاد می‌کند و می‌گوید که در آن دیدارها، احساس من این بود که با «برادران خود دیدار می‌کنم و سخن می‌گویم».

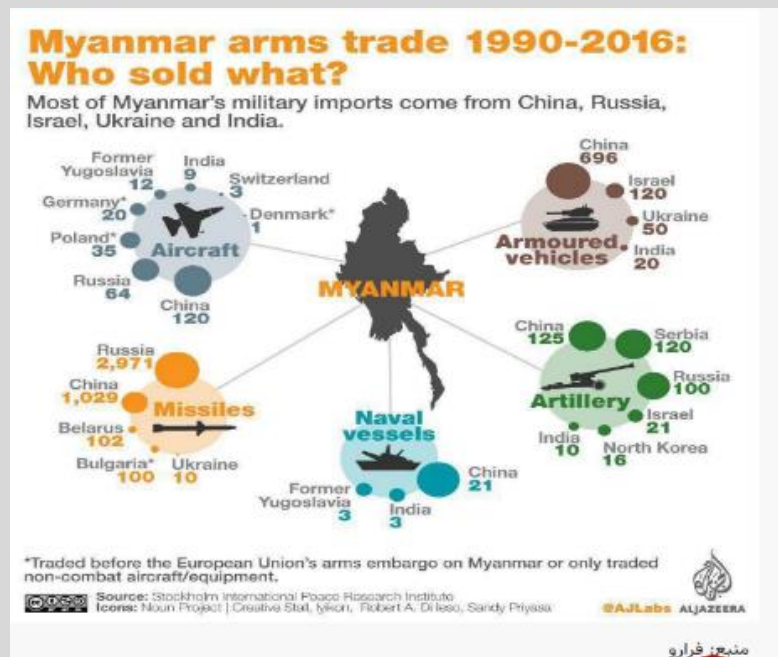
<sup>۱</sup> ماندلای مهم‌ترین شهر مذهبی و فرهنگی میانمار و مرکز آموزش و پرورش روحانیون و مانک‌های بودائی است. این شهر جمعیت مسلمان قابل توجه و نیز تعدادی از پیروان مکتب تشیع و حتی جمعی از نسل‌های دوم و سوم خانواده‌های ایرانی با اسامی شیرازی، اصفهانی و شوشتری، دارد.

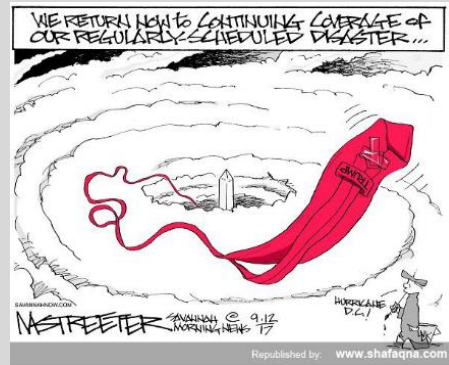


اگرچه، این رخداد فرهنگی که برای نخستین بار در عرصه روابط غیررسمی دو کشور برگزار شد را به فال نیک می‌گیریم، اما سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی توانست با برگزاری نخستین دوره «گفتگوی چندجانبه اسلام و بودیسم» گام مثبتی در روند گسترش هر چه بیشتر روابط فیما بین دو کشور بردارد. لذا، سفر «آشین نیان سارای» به تهران را می‌توان نقطه عطفی در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و میانمار و البته سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دانست که توانست دستاوردهای مفید و دوجانبه برای دو کشور و همچنین توسعه صلح جهانی به ارمغان آورد. چرا که بر خلاف کشورهای از جمله چین، روسیه، رژیم صهیونیستی و هند که در صدر کشورهای قرار دارند که بیشترین صلاح‌های مرگبار را به میانمار فروخته‌اند و یا بر خلاف دیدگاه برخی از سیاسیون داخلی درباره حوادث میانمار که گفته بودند: «نیرو بفرستیم»؛ و یا روزنامه سازندگی از ارکان رسانه‌ای حزب کارگزاران به سردبیری محمد قوچانی، به بهانه تحولات اخیر میانمار، آنگ سان سوچی، عامل نسل‌کشی مسلمانان میانمار و ملقب به «قصاب میانمار» را عکس‌یک روزنامه کرده و تیتراژ «کودتا علیه دموکراسی» را برای آن برمی‌گزیند و آن قصاب را نماد دموکراسی معرفی می‌کند، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با واقع‌بینی و تیزهوشی «گفتگو» را سرلوحیه فعالیت‌های خود در عرصه بین‌المللی قرار داده و معتقد است که گفتگو می‌تواند پیام آور صلح، دوستی و مدارا باشد و جهانی‌سازی از خشونت را بسازد. به گفته سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه کشورمان، قرن ۲۱، قرن کودتا نیست.

## تصاویر

## فروش صلح به میانمار







### سلام سه انگشتی نماد اعتراضات مردمی

«سلام سه انگشتی» به یکی از نمادهای معترضان کودتای نظامی در میانمار تبدیل شده که برگرفته از یک فیلم علمی-تخیلی است که نماد مقاومت در برابر دیکتاتوری به شمار می‌رود و پیشتر در برخی دیگر از کشورهای جنوب شرق آسیا، مانند تایلند نیز به کار رفته بود.



